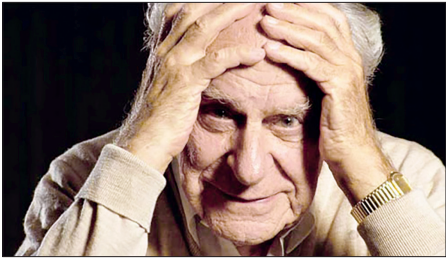




## فیلسوف چکمه‌پوش؛ نقد آرای کارل پوپر

کتاب «فیلسوف چکمه‌پوش؛ نقد و بررسی مبانی هستی‌شناختی و معرفتی نظریه‌جامعه‌باز کارل پوپر» به قلم حجت‌الاسلام مهدی ایمانی‌مقدم و به همت نشر معارف منتشر شد. این کتاب مبانی هستی‌شناختی و معرفتی نظریه‌جامعه‌باز کارل پوپر را بررسی و نقد می‌کند. فیلسوف چکمه‌پوش در ۲۴۲ صفحه و قطع رقعی و با قیمت ۴۲۰۰ تومان روانه بازار نشر شد.



## انتقاد اجتماعی در شعر سنایی

شازده‌همین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره سنایی به «انتقاد اجتماعی در شعر سنایی» اختصاص دارد. این نشست چهارشنبه ۱۸ بهمن ساعت ۱۶:۳۰ با سخنرانی غلامرضا مستعلی‌پارسا در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصاب (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود. سنایی غزنوی بیشتر به‌عنوان بنیانگذار شعر عرفانی شناخته می‌شود.



## تکثر دشمن‌سازی‌های تاکتیکی

# ترامپ و تزریق ترس به آمریکا

پس امپراتوری روم [قوم خیالی] بربر‌ها را به‌عنوان دشمن اصلی خویش مورد توجه و تبلیغ قرار دادو توانست چند قرن به حیات خود ادامه دهد.»

به‌همین قیاس، نظام‌لیبرال دموکراسی معاصر غرب‌نیز برای وحدت‌همه‌جانبه‌سیاسی، اجتماعی‌وفرهنگی‌خودعلاوه‌بر تمسک به ارزش‌های سکولاریستی به عنصر «دشمن» و «دیگری» نیاز دارد. برای مثال، کشورهای غربی پس از جنگ جهانی دوم زمانی که خطر کمونیسم شوروی را احساس می‌کردند، نسبت به دهه ۹۰ میلادی که کمونیسم سقوط کرده بود، مسلما وحدت، همدلی و همگرایی بیشتری داشتند.

بهره‌برداری از این تاکتیک به‌ویژه در مقاطع بحرانی پررنگ‌تر بوده است. برای نمونه، در مواجهه باسخنرانی‌های سیاسی مشهور سران غربی پیش از آغاز جنگ‌ها، به کارگیری مکرر درونمایه دگرهراسی مشهود است؛ از پاپ اوربان دوم [در زمان جنگ‌های صلیبی] و ملکه الیزابت اول تاآدولف هیتلر وحتی جورج بوش قبل از شروع جنگ افغانستان، همگی از دشمن‌سازی برای تهییج افکار عمومی سود جست‌اند، به‌نحوی که وجه‌اشتراک این سخنرانی‌ها را می‌توان چنین برشمرد: «درخطر قرار گرفتن فرهنگ ملی»، «ساختن یک دشمن» و «درخواست از همگان برای اتحاد و همگرایی».

موریس دوروز، پژوهشگر سرشناس علوم سیاسی در دانشگاه سوربن فرانسه و نویسنده کتاب کلاسیک «اصول علم سیاست»، ایجاددشمن‌رایکی را روش‌های پنهان کردن اهداف واغراض سیاسی در پشت نقاب انگیزه‌هایی می‌داند که از پشتیبانی مردم وافکار عمومی برخوردار است؛دشمن اختراع می‌شود یا در اهمیت آن غلو می‌شود و به اسم جلوگیری از خطر این دشمن، تدابیری که درواقع به نفع طبقه حاکم اتخاذ شده، توجیه می‌شود.

در میان کشورهای غربی، آمریکا در این زمینه شاخص است. در طول تاریخ آمریکا، سیاستمداران همواره برچسب «غیر» و «دیگری» را برای گروه‌های خاصی به کار می‌بردند تا سیاست‌های خصمانه دولت در قبال آنها را موجه و مشروع جلوه دهند. درواقع پیشینه سیاسی این کشور پر است از دشمنان هولناک، که بعضاً حتی وجود خارجی نداشته‌اند.



عباس عیسی‌زاده  
کارشناس ارشد  
مدیریت رسانه

## یادداشت

چنانکه کارل اشمیت نیز می‌گوید، سیاست وقتی پیش می‌آید که دوگانه دوست-دشمن برقرار باشد و سیاست مشروط به وجود این دوگانه است. دشمن معیار ساده امر سیاسی و سازنده امر سیاسی است؛ همان‌طور که تمایز بین خیر و شر در اخلاق و تمایز سود و زیان در اقتصاد موثر است. اشمیت خاطرنشان می‌کند که اگر ملتی توان یا اراده برساختن دوست و دشمن را نداشته باشد یا با اعلام دوستی با کل دنیا، خلع سلاح داوطلبانه را بپذیرد، از وجود سیاسی خود دست شسته است. اگر مردمی توان یا خواست حفاظت از خود را در سپهر سیاست نداشته باشند، به این معناست که مردمان ضعیف محومی شوند و آنگاه مردمانی سر برمی‌آورند که تن به آزمون‌های جدید می‌دهند و به حکمرانی سیاسی دست می‌یابند. اما بحث آنی در باب دشمنی نیست بلکه در باب دشمن‌سازی تاکتیکی است.

استوارت هال، نظریه‌پرداز مشهور حوزه مطالعات انتقادی فرهنگی با اشاره به «ضرورت وجود دیگری برای غرب» معتقد است، غرب بدون «دیگران» قادر نخواهد بود خود را به‌عنوان اوج تاریخ بشر بشناساند و بنمایاند. به‌عقیده فیلسوف‌نامی فرانسوی، میشل فوکو نیز تعریف «دیگری» نقشی مهم در تعریف «خود» دارد. او نشان می‌دهد که چگونه «خود» غربی، در تمایز با دیگران، خویش را «خردگرد»، «سالام» و «بی‌آزار» تعریف می‌کند.

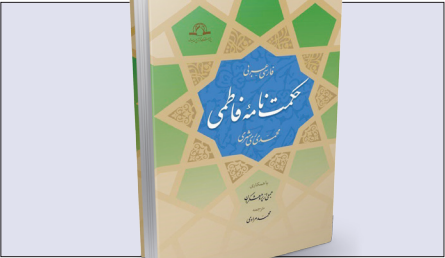
تمثیلی از تاریخ روم باستان که کتاب «امپراتوری وبربرهای جدید» اثر «جی سی رافین» با آن آغاز می‌شود، به همین نکته اشاره دارد:

«وقتی امپراتوری روم بر آخرین دشمن خود یعنی کارتاژ تسلطه یافت، اسکپیون سردار رومی در حالی که زبانه کشیدن شعله‌های آتش از شهر سوخته کارتاژ را مشاهده می‌کرد، اشک در چشمانش حلقه زد و با خود اندیشید که بدون دشمن چگونه می‌توان امپراتوری بزرگ روم را پایدار نگه داشت. آن گاه پلپ مورخ یونانی را فراخواند و از او چاره کار خواست. پلپ چندی اندیشید و پاسخ داد: «بربرها». از آن

## گزارش

## «حکمت‌نامه فاطمی» به چاپ سوم رسید

کتاب «حکمت‌نامه فاطمی» تألیف حجت‌الاسلام والمسلمین ری‌شهری برای سومین بار در کمتر از یک‌سال تجدیدچاپ‌شد. این کتاب دارای پنج بخش شامل «فضیلت‌های حضرت زهرا(س)، حکمت‌های خانوادگی، حکمت‌های اخلاقی و عملی، حکمت‌های عبادی و حکمت‌های اعتقادی و سیاسی» است. علاقه‌مندان جهت تهیه این کتاب می‌توانند به سایت انتشارات دارالحدیث مراجعه کنند.



«عملیات روانی هالیوود در گسترش موج اسلام‌هراسی». مطالعات عملیات روانی ۱۰(۳): ۱۳۴-۱۱۳. ۲- حسینی‌فاق، محمدمهدی. ۱۳۹۱. تاملی بر ابعاد اسلام‌هراسی در بریتانیا. تهران: دانشگاه‌امام‌صادق(ع). ۳- خامنجمدی، کریم. ۱۳۸۵. «اسلام، غرب و رسانه‌ها». علوم سیاسی (۴۹): ۱۶۶-۱۵۱. ۴- مجیدی، محمدرضا و محمدمهدی صادقی. ۱۳۹۳. اسلام‌هراسی غربی. تهران: دانشگاه‌امام‌صادق(ع). ۵- نقیب‌زاده، احمد. ۱۳۸۵. «نیا به دشمن، این بار اسلام». مطالعات میان فرهنگی (۳۱): ۴۰-۱۰. 6. Ali, Yaser. 2012. «Shariah and Citizenship: How Islamophobia is Creating a Second-Class Citizenry in America.» California Law Review 100(4): 1027-68. 7. Hussain, Yasmin, and Paul Bagguley. 2012. «Securitized Citizens: Islamophobia, Racism...» The Sociological Review 60(4): 715-734. 8. Kellner, Douglas. 2004. «9/ 11, Spectacles of Terror, and Media Manipulation.» Critical Discourse Studies 1(1): 41-64. 9. Powell, Kimberly. 2011. «Framing Islam: An Analysis of US Media Coverage of Terrorism since 9/11.» Communication Studies 62(1): 90-112. 10. Stein, Arlene, and Zakia Salime. 2015. «Manufacturing Islamophobia.» Journal of Communication Inquiry 39(4): 378-396.

است که جایگزین تهدید سرخ شده است: «ما همواره با تهدیدات واقعی و خیالی که جهان غرب را به مخاطره انداخته، مواجهیم. سناریوهای هراس‌انگیز تهدید زرد (چین) با حکایت‌های رنگارنگ تهدید سرخ (کمونیسم) برای ما روپایی‌ها مطرح بوده است. با منتفی شدن تهدید سرخ، تهدید سبز را جایگزین آن کرده، مدعی می‌شوند که توده‌های مسلمانان زیر بیرق سبز اسلام، آماده حمله به غرب هستند.» با روی کار آمدن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جمهوریخواه آمریکا استفاده از تاکتیک دشمن‌سازی باردیگر از جانب آمریکایی‌ها پیگیری می‌شود. «منارعات کلامی ترامپ با کیم‌جونگ اون رهبر جمهوری دموکراتیک خلق کره» و «تهدیدات پی‌درپی این کشور آمریکا»، «دستور اجرایی ترامپ برای مناعت از ورود اتباع ۷ کشور به آمریکا»، «تهدید چندباره نظام سوریه به حمله نظامی»، «به رسمیت شناختن قدس به‌عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی»، «دیوارکشی در مرز آمریکا و مکزیک» و «ایران‌هراسی»، مصداق این غیریت‌سازی و دشمن‌هراسی برای تزریق احساس ناامنی و تهییج عمومی مردم آمریکا وسوءاستفاده از آن برای اجرای سیاست‌های یکجانبه دولت آمریکاست. تعداد این دشمن‌سازی‌ها نشان می‌دهد افکار عمومی آمریکا دیگر با یک دشمن توجیه و تهییج نمی‌شود و آمریکایی‌ها گمان می‌کنند با مجموعه‌ای متکثر و متعدد از دشمنان، می‌توانند این توجیه و تهییج را رقم بزنند.

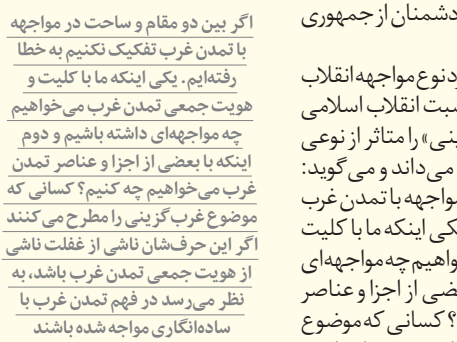
**منابع:**

۱- جعفری نژاد، مسعود و محمدرضا قائندی. ۱۳۹۲.

دارد و غربی‌ها روز به روز هم بر سازگارسازی اینها با هم، اندیشه کرده و خود را بهینه و اصلاح کرده‌اند. بنابراین اگر این تفکر گزینشی نسبت به غرب ناشی از نشناختن این ارتباط باشد طبیعتاً هم در شناخت غرب ما به خطا رفته‌ایم و هم در هدف گذاری نسبت به تمدن اسلامی چون تبیین ما از فرهنگ اسلامی هم تبیین یک تمدن یکپارچه‌ای که یک هویت نوینی را براساس فرهنگ اسلام به بشر عرضه می‌کند، نخواهد بود.

اودر ادامه این تبیین و تفسیر از نسبت ما و غرب را نافی برخورد گزینشی از تمدن غرب و استفاده از برخی عناصر آن نمی‌داند و معتقد است که این تلقی که فرهنگستان علوم اسلامی می‌خواهد از هیچ یک از بیج و مهرها و عناصر تمدن غرب استفاده نکند، درست نیست و منافاتی با آن نگرش کل گرایانه ندارد.

پیروزمند در پایان مساله و چالش جمهوری اسلامی در ابتدای ۴۰ سالگی خود را چالش فرهنگی عنوان می‌کند و التقاط فرهنگی را مهم‌ترین تهدید و مخاطره برای انقلاب می‌داند و می‌گوید: «مهم‌ترین مساله، چالش فرهنگی با معنای وسیع از فرهنگ در نه فقط فرهنگی عمومی است. یعنی اگر توجه کنیم دانش‌های تخصصی تمدن غرب هم درازند فرهنگ‌سازی می‌کنند و اینها را هم یکی از خاستگاه‌های مهم تولید فرهنگ بدانیم، علاوه بر ابزارهایی که فرهنگ عمومی را درست می‌کنند مثل محصولات هنری، رسانه‌ها و امثال آن که خود اینها هم در یک چرخشی مجدداً سر در ایشخور این علوم تخصصی دارند) اگر وسعت مفهوم فرهنگ را در نظر بگیریم باید بگویم همان‌طور که قوت انقلاب اسلامی در توجه به فرهنگ اسلامی و حرکت با تکیه بر فرهنگ اسلامی بود، دقیقاً نقطه آسیب‌پذیر انقلاب اسلامی هم همین جاست که از آن فرهنگ فاصله بگیرد یا توان جریان بخشی این فرهنگ در سطوح مختلف مدیریت اجتماعی، ساختار سازی، قانون سازی و تنظیم روابط اجتماعی و سبک زندگی تضعیف بشود و این امکان را به اندازه کافی چه از نظر دانشی و چه از نظر عملیاتی پیدا نکند.»



را در نظر بگیریم باید بگویم همان‌طور که قوت انقلاب اسلامی در توجه به فرهنگ اسلامی و حرکت با تکیه بر فرهنگ اسلامی بود، دقیقاً نقطه آسیب‌پذیر انقلاب اسلامی هم همین جاست که از آن فرهنگ فاصله بگیرد یا توان جریان بخشی این فرهنگ در سطوح مختلف مدیریت اجتماعی، ساختار سازی، قانون سازی و تنظیم روابط اجتماعی و سبک زندگی تضعیف بشود و این امکان را به اندازه کافی چه از نظر دانشی و چه از نظر عملیاتی پیدا نکند.»

را در نظر بگیریم باید بگویم همان‌طور که قوت انقلاب اسلامی در توجه به فرهنگ اسلامی و حرکت با تکیه بر فرهنگ اسلامی بود، دقیقاً نقطه آسیب‌پذیر انقلاب اسلامی هم همین جاست که از آن فرهنگ فاصله بگیرد یا توان جریان بخشی این فرهنگ در سطوح مختلف مدیریت اجتماعی، ساختار سازی، قانون سازی و تنظیم روابط اجتماعی و سبک زندگی تضعیف بشود و این امکان را به اندازه کافی چه از نظر دانشی و چه از نظر عملیاتی پیدا نکند.»